

بررسی تأثیر حقوق مالکیت کارآمد و مالیات بر کارآفرینی در اقتصاد کشورهای منتخب و ایران

عباسعلی ابونوری^۱

شهرزاد متوسل^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۷

چکیده

کارآفرینی در یک تعامل چند سویه یعنی هم در مفهوم ایجاد اشتغال، هم در مفهوم ایجاد تحول از راه نوآوری‌ها و بهبود فرایندها و هم به عنوان عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی، به شدت مورد نیاز است. در این پژوهش سعی شده است به بررسی موانع کارآفرینی با توجه ویژه به بحث حقوق مالکیت کارآمد پرداخته شود. به این منظور از داده‌های تابلویی سالهای (۲۰۰۸-۲۰۱۰) برای کشورهای منتخب (کشورهای کارائی محور و کشورهای نوآوری محور) استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اولاً کارایی حقوق مالکیت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کارآفرینی دارد؛ و ثانیاً میزان سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر روی آموزش رابطه مثبت و معنی‌داری با کارآفرینی دارد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، کارایی حقوق مالکیت، نهاد، هزینه‌ها، داده‌های تابلویی

۱- عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، aabounoori@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی، دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

۱- مقدمه

هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر حقوق مالکیت کارآمد بر رشد کارآفرینی، و مطالعه عواملی است که باعث کارآتر شدن حقوق مالکیت در کشورهای منتخب و ایران می‌شود. در این راستا، دو موضوع مد نظر می‌باشد: اول آنکه هرگونه ارزیابی از وضعیت کارآفرینی نیازمند طرح یک چارچوب نظری است که این مقاله به آن می‌پردازد. از این رو، تبیین دستگاه نظری نهادگرایی جدید در حوزه کارآفرینی و کارایی حقوق مالکیت از دیگر اهداف این مقاله خواهد بود. از سوی دیگر، بر مبنای دستگاه نظری انتخابی، این مقاله به این نکته توجه دارد که وضعیت فعلی کارآفرینی در ایران وابسته به کارایی حقوق مالکیت شامل عواملی چون محیط سیاسی و قانونی، حقوق مالکیت فکری و حقوق مالکیت فیزیکی یا به طور کلی حقوق مالکیت بین‌المللی است که همان ابزار سنجش کارایی حقوق مالکیت می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که مروری بر ابزار سنجش حقوق مالکیت کارا تا حدودی می‌تواند گویای چرایی وضعیت فعلی کارآفرینی در ایران و کشورهای منتخب باشد.

۲- مبانی نظری

کارآفرینی در نهادگرایی جدید، عمل یک فرد نیست بلکه کارآفرینی به معنای سازمانی است که به دنبال پیدا کردن فرصت‌های بالقوه برای حداکثر ساختن ثروت است. به عبارت دیگر، کارآفرینی فرآیندی است که افراد درون سازمانها متوجه فرصت‌های بالقوه می‌شوند و عوامل تولید را به طرز خلاقانه‌ای برای ایجاد ارزش جدید سر و سامان می‌دهند.

مدل سازی سازمانها (کارآفرینان) مساوی است با تحلیل ساختارهای حاکمه، مهارتها و اینکه چگونه یادگیری از طریق انجام کار تعیین کننده موفقیت سازمانها در طول زمان است. اینکه چه کارآفرینانی به وجود آمده‌اند و چگونه در طول زمان تکامل یافته‌اند به‌طور بنیادی متأثر از چارچوب نهادی است. نوع دانش و مهارتی که سازمان کسب می‌کند تا اهداف خود را محقق کند به نوبه خود در نحوه تطور اندوخته دانش و چگونگی به کارگیری آن نقش اساسی ایفاء می‌کند (نورث، ۱۳۷۷).

نوع دانش، مهارت و علمی که اعضای سازمان فرا می‌گیرند، نشانگر پاداش یا به عبارتی محرک-هایی است که در محدودیتهای نهادی حک شده‌اند. امروزه در کشورهای نوآوری محور، تقاضای سرمایه‌گذاری برای دانش در مقایسه با کشورهای مبتنی بر هدایت عوامل (مثلاً ایران) متفاوت است که علت اصلی آن را می‌توان نرخ بازدهای خصوصی که به دانش تعلق می‌گیرد، دانست (نورث، ۱۳۷۷،

صص ۱۲۳-۱۲۴). پس می‌توان گفت پیشرفت سازمان‌ها متکی بر انباشت اولیه دانش است، که مسیر بعدی فعالیت‌های کارآفرینانه را مشخص می‌کند و انباشت دانش متکی به محرک‌های نهادی.

در رویکرد نهادگرایی جدید نهادها، قواعد بازی هستند. نهادها الگوهای تعاملی هستند که بر روابط افراد حاکم بوده و آنها را مقید می‌سازد. نهادها کاهش دهنده ناطمینانی افراد جامعه در تعامل با یکدیگر و تبدیل آنها به ریسک است (نورث، ۱۳۷۷، ص ۱۹۷). به عبارت دیگر، نهادها کاهش دهنده ناطمینانی افراد جامعه در تعامل با یکدیگر می‌باشند (نایب، ۱۳۸۶، ص ۲۵۸).

دمستر، نهاد را همان حقوق مالکیت عنوان می‌کند بدین صورت که بیان می‌کند حقوق مالکیت ابزار یک جامعه است و اهمیتش را از این حقیقت می‌گیرد که به فرد کمک می‌کند تا منطقاً انتظاراتی که می‌توانند در ارتباطش با دیگران داشته باشد را شکل دهد. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه بیان می‌شود. یک دارنده حقوق موقعیتی را بدست آورده است که در مقایسه با همتای خود، اجازه دارد به شیوه خاصی عمل کند. یک مالک انتظار دارد مانع مداخله دیگران در اعمال او شوند، البته مشروط به آنکه این اعمال در تعریف حقوق او ممنوع نشده باشد. بنابراین هر دارایی دارای ۳ نوع هزینه می‌باشد: ۱- هزینه اندازه‌گیری؛ ۲- هزینه‌های حفظ قدرت انحصاری؛ و ۳- هزینه‌های مبادله که در نگاه نهادگرایی جدید، (کلید فهم هزینه‌های مبادله، سنگینی هزینه (کسب) اطلاعات است که شامل هزینه‌های سنجش ویژگی‌های با ارزش اقلام مورد مبادله و هزینه‌های حمایت‌کننده حقوق و هدایت و اجرای قراردادهاست) (نورث، ۱۳۷۷، ص ۵۵).

هر دارایی منفعی دارد و همچنین هزینه‌هایی را نیز به همراه خود دارد و در شرایطی که منافع آن بر هزینه‌هایش برای دارنده ارجحیت داشته باشد، بر در اختیار گرفتن اصرار خواهد داشت و در غیر این صورت، مالکیت بر این دارایی منتفی خواهد شد. چنانچه این امر برای مجموعه افراد یک جامعه مصداق داشته باشد، مالکیت بر آن دارایی در سطح آن جامعه منتفی است و به عبارتی بهتر، آن جامعه از منافع داشتن آن محروم خواهد گردید. این نکته در بردارند حقوق مالکیت کارآمد و مهمترین دلیل تفاوت حقوق مالکیت در تمام کشورها می‌باشد.

یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر هزینه‌های نگهداشت دارایی، هنجارهای غیر رسمی می‌باشد. از طرفی سازهای ذهنی از مهمترین عوامل مؤثر بر هنجارهای غیر رسمی می‌باشد که باعث سواری مجانی به معنی کسب مطلوبیت به هزینه دیگران می‌شود؛ پس می‌توان گفت هر قدر میزان سواری

مجانی در یک جامعه بالاتر باشد، هزینه‌های نگهداری دارایی بیشتر بوده و از این رو، حقوق مالکیت ناکارآمدتر خواهد بود و بر عکس (نورث، ۱۳۷۹، ص ۶۹).

محدودیت‌های رسمی شامل قوانین رسمی می‌باشد که وظیفه قوانین رسمی، تشویق انواع خاصی از مبادله است و نه تشویق هر نوع مبادله‌ای. به همین دلیل، مدیسن در فدرالیست پی‌پر شماره دهم، اصرار می‌ورزد که هدف از ابداع ساختار منطبق بر قانون اساسی در سال ۱۷۸۹، نه فقط تسهیل انواع خاص مبادلات، بلکه افزایش هزینه‌های آن نوع از مبادلاتی بود که [تحقق آن مبادلات] منافع جناحها و باندها را افزایش می‌داد. به همین ترتیب در مبادله اقتصادی، قوانین حق ثبت اختراعات و قوانین اسرار تجاری وضع شده‌اند تا هزینه‌های مبادلاتی را که به نظر می‌رسد مانع نوآوری و ابداع می‌شوند، افزایش دهند (نورث، ۱۳۷۷، ص ۸۵).

دولت به عنوان یک نهاد رسمی از طریق اعمال خدمات خود می‌تواند میزان هزینه‌ها را برای گروه‌های مختلف جامعه تعیین کند، این بدان معنی است که هزینه‌های مبادله برای همه افراد جامعه یکسان نیست و بر حسب دسترسی به میزان قدرت (به تعبیر نورث، خشونت) این هزینه‌های مبادله کاهش خواهد یافت (نایب، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰).

ابزار سنجش حقوق مالکیت و یکی از معیارهای جهانی سنجش میزان کارایی حقوق مالکیت در کشورها، حقوق مالکیت بین المللی می‌باشد که شامل:

الف- حقوق مالکیت فکری^۱: مالکیت فکری دربرگیرنده آن دسته از حقوق قانونی و علائق مالکانه است که ناشی از فعالیت‌های ذهنی در حوزه‌های هنری، ادبی، علمی، صنعتی و غیره می‌باشد. این قبیل حقوق در قالب "حقوق مالکیت فکری" شامل حفاظت از حقوق مالکیت فکری، حفاظت از انحصار، و قانون کپی رایت می‌باشد.

ب- حقوق مالکیت فیزیکی^۲ شامل: حفاظت از حقوق مالکیت فیزیکی، ثبت مالکیت و دسترسی به وام می‌باشد.

از دیدگاه کلان به علت عدم حفاظت از حقوق مالکیت در کشورهای مبتنی بر هدایت عوامل و کارایی محور، بازارها با پدیده سرکوب مالی^۱ مواجه هستند. چنین پدیده‌ای باعث خواهد شد که نرخ

1. Intellectual Property Rights
2. Physical Property Rights

بهره در بازارهای رسمی سازمان یافته تغییری نداشته باشد. حال تأثیر حفاظت از حقوق مالکیت این خواهد شد که نرخ بهره در بازارهای غیررسمی سازمان نیافته، کاهش یافته و در بازار رسمی و سازمان یافته تغییری نکند. بنابراین علاوه بر یکپارچه شدن بازارهای مالی، نرخ بهره کاهش یافته و همراه با کاهش ریسک و عدم اطمینان، سرمایه‌گذاری کل بخش خصوصی افزایش خواهد یافت (رنانی، ۱۳۸۵، صص ۳۰۲-۳۰۴؛ صمدی، ۱۳۷۷، صص ۲۸۳-۲۸۱ و ۱۳۶-۱۳۲).

از دیدگاه خرد، تأثیر افزایش حفاظت از حقوق مالکیت بر تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری فرد را می‌توان از طریق منابع تأمین مالی (داخلی و بیرونی) توجیه کرد. در صورت مخدوش بودن حقوق مالکیت، فرد (بنگاه‌های کوچک) مجبور به تأمین مالی داخلی است و دسترسی کمتری به وام‌های بانکی خواهد داشت. در این صورت کارگزار اقتصادی قادر به استفاده از منابع بیرونی نیز شده و تقاضا برای وجوه قابل وام و سرمایه‌گذاری مجدد خویش را افزایش خواهد داد.

ج- محیط سیاسی و قانونی^۲

استقلال قضایی: استقلال قضایی به این معنا است که ظرفیت هوس بازی [حاکم] برای ضبط و توقیف ثروتها را حذف می‌کند و نظارت طرف سوم قرارداد را بر اجرای آن قرارداد توسعه می‌بخشد. در حقیقت حرکت به سوی کارایی سیاسی بیشتر است.

نظارت بر رشوه‌خواری و برابری افراد در برابر قانون: اگر دولت از امتیاز کنترل منابع و دارا بودن حقوق مالکیت به نفع منافع خود استفاده کند منجر به افزایش هزینه‌ها می‌شود. از جمله این موارد که باعث ناکارآمدی حقوق مالکیت توسط دولت می‌شود، رشوه‌خواری و نابرابری افراد در برابر قانون می‌باشد. نظارت بر رشوه‌خواری و برابری افراد در برابر قانون بیشتر به عنوان فساد مالی و اقتصادی مطرح است که به دو صورت خصوصی و دولتی است. فساد مالی می‌تواند به گونه‌ای باشد که دو گروه یا دونفر با مشارکت یکدیگر در انجام آن حضور داشته باشند. مثل رشوه‌خواری و اخاذی - یا اینکه توسط یک مقام دولتی به تنهایی صورت بگیرد - مثل اختلاس.

ثبات سیاسی: قوانین سیاسی به نوبه خود به قوانین اقتصادی منجر می‌شوند، و رابطه علی دوطرفه است. یعنی اینکه حقوق مالکیت و بالطبع، قراردادهای فردی توسط تصمیم‌گیریهای سیاسی تصریح و

1. Financial Repression
- 2 . Legal and Political Environment

اجرا می‌شوند، اما ساختار منافع اقتصادی نیز بر ساختار سیاسی تأثیر می‌گذارد. در نقطه تعادل (۱-۴)، ساختار مفروض حقوق مالکیت (و اجرای آن حقوق) با مجموعه‌ای خاص از قوانین سیاسی (و اجرای آن قوانین) هماهنگ خواهد بود و تغییر یکی، منجر به تغییر دیگری خواهد شد (نورث، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹). برای بهتر درک شدن این تعادل، نورث و والیس و وینگاست (۱۳۸۵) در مقاله خود نظریه توازن دوگانه را مطرح کرده‌اند که بر سه دسته است: نظم نخستین، نظم دسترسی محدود و نظم دسترسی باز. از نظر آنان نظم نخستین در دنیای امروز جایی ندارد و برای دسترسی محدود و دسترسی باز به چارچوب زیر نگاهی می‌اندازیم.

شکل (۱) - نظریه تعادلی

بازار سیاسی			
دسترسی باز	دسترسی محدود		
(۲)	(۱)	دسترسی محدود	بازار اقتصادی
(۴)	(۳)	دسترسی باز	

منبع: یافته‌های پژوهش

تعادل وضعیتی است که اگر توان چانه‌زنی طرفین و قرار و مدارهای مربوط به قرارداد را که کل مبادله اقتصادی (و سیاسی) را می‌سازد مفروض انگاریم، آنگاه هیچ یک از طرفین تخصیص منابع را به منظور تجدید ساختار توافقیها مقرون به صرفه نیابد. این وضعیت به این معنی نیست که همگان از قراردادهای و قوانین موجود راضی اند، بلکه فقط مبین آن است که برآیند منافع و هزینه‌های نسبی تغییر بازی بین طرفین قرارداد به نحوی است که این تغییر مقرون به صرفه نخواهد بود (نورث، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹). به عبارت دیگر تعادل‌های نهادی لزوماً کارا نیستند اما طرفین قرارداد یا تمایل به برهم زدن این تعادل را ندارند و یا حداقل یکی از طرفین، توانایی برهم زدن این تعادل را ندارد. اما در نواحی ۲ و ۳ با عدم تعادل نهادی روبه‌رو هستیم. یعنی امکان دارد که در یک نظم در این دو ناحیه قرار داشته باشیم اما این تعادل نهادی ناپایدار بوده و در بلندمدت با تغییر شکل یکی از بازارها (سیاسی یا اقتصادی) به خانه‌های مجاور خواهیم رفت.

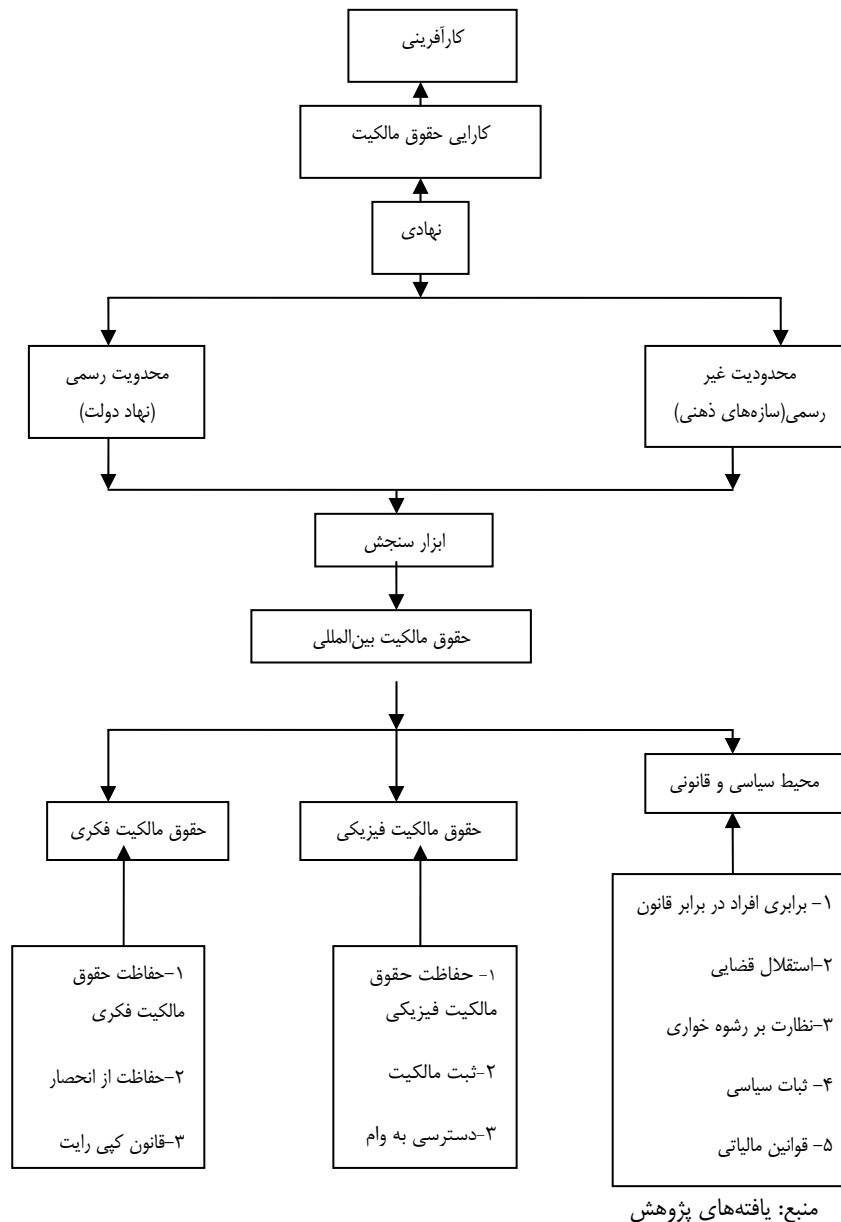
مالیات‌ها: یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر محیط‌های قانونی، قوانین مربوط به مالیات‌ها می‌باشد. این دسته از قوانین باید به‌گونه‌ای باشد که در جهت شفاف سازی اقتصادی، ایجاد بانکهای جامع اطلاعات اقتصادی، تقویت سیستمهای نظارتی در مراحل صادرات و واردات و همچنین کاهش بار

مالیاتی بر اقتصاد باشد. در این صورت هزینه‌های مبادلاتی و اندازه‌گیری در اقتصاد کاهش خواهد یافت. در غیر این صورت قوانین مالیاتی باعث عدم شفاف‌سازی در اقتصاد و به دنبال آن افزایش هزینه‌های مبادلاتی می‌شود به طوری که باعث کاهش میزان سرمایه‌گذاری، تولید و کارآفرینی خواهد شد.

در نمودار شماره (۱) در یک نگاه می‌توان مشاهده کرد که برای داشتن کارآفرینی نیاز به کارایی حقوق مالکیت می‌باشد. کارایی حقوق مالکیت از نهادها تأثیر می‌پذیرد به عبارتی نهادها از دو طریق محدودیت‌های غیر رسمی (شامل سازه‌های ذهنی) و محدودیت‌های رسمی (شامل نهاد دولت) بر کارایی حقوق مالکیت تأثیرگذار می‌باشد.

از طرفی در این مقاله سعی شده تا ابزاری برای سنجش کارایی حقوق مالکیت عنوان شود. مهمترین شاخص سنجش در نظر گرفته شده، حقوق مالکیت بین المللی می‌باشد که خود تهیه شده از سه شاخص محیط سیاسی و قانونی (برابری افراد در برابر قانون، استقلال قضایی، نظارت بر رشوه خواری، ثبات سیاسی، قوانین مالیاتی)، حقوق مالکیت فیزیکی (حفاظت حقوق مالکیت فیزیکی، ثبت مالکیت، دسترسی به وام) و حقوق مالکیت بین‌المللی (حفاظت حقوق مالکیت فکری، حفاظت از انحصار، قانون کپی رایت) می‌باشد.

نمودار (۱) - چارچوب نظری در یک نگاه



۳- پیشینه تحقیق

دکتر علیرضا فیض بخش (۱۳۸۷) تعیین عوامل مؤثر در ایجاد کارآفرینی در ایران را عوامل محیطی داخلی می‌داند.

مجتبی (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر کارآفرینی را شامل عوامل ضد انگیزشی، موانع قانونی، عوامل نارسایی محیطی، آموزش می‌داند.

یدالله دادگر (۱۳۸۹)، کارآفرینی را در ۷۰ سال اخیر در ایران مورد بررسی قرار داده است و برای این کار بهره‌وری نیروی کار را مدّ نظر قرار گرفته است. در این کار از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج بدست آمده به صورت زیر است:

$$\text{LOG}Q = -11/7 + 1/89 \text{LOG}(L) + 1/51 \text{LOG}(K)$$

$$Q = \text{تابع تولید}; L = \text{نیروی کار}; K = \text{سرمایه فیزیکی}$$

$$\text{TFP} = 0/283 \text{NL} + 1/448 \text{KL} + 0/012 \text{MA}$$

$\text{TFP} = \text{بهره‌وری نیروی کار}; \text{KL} = \text{شدت سرمایه عامل نیروی کار}; \text{NL} = \text{تعداد نیروی کار}; \text{MA} = \text{مواد اولیه}.$

کارآفرین اغلب شروع کار را با سرمایه شخصی آغاز می‌کند، عدم ثبات اقتصادی و تغییرات زیاد در قوانین و همچنین وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌های کارآفرینی، از عوامل بازدارنده ورود افراد بیشتر به عرصه کارآفرینی در ایران است. نظام آموزشی ایران بسیار ضعیف، فرهنگ کار، وجدان کاری و تولید در جامعه امروزی ایران ضعیف می‌باشد.

در برخی از مطالعات از جمله پالدا (۱۹۹۹)، گروسمن و کیم (۱۹۹۶) و اندرسون و بندیرا، از روشهایی غیر از الگوهای بهینه‌سازی رمزی، تداخل نسل‌ها و نظریه بازیها استفاده شده است. پالدا، وضعیت حقوق مالکیت را با پارامتری اندازه‌گیری می‌کند که بخشی از درآمد موجود برای غصب کردن توسط رانت جوهاست. پالدا، سطح بهینه حقوق مالکیت را به تعداد رانت جوها ارتباط می‌دهد.

مطالعه تنگ (۲۰۰۰) و سیلوستر (۲۰۰۱) در چارچوب نظریه بازی‌ها هستند. تنگ و سیلوستر (۲۰۰۰) و نیز (۲۰۰۱)، یک بازی دو مرحله‌ای با دو بازیکن، «تعداد زیادی از کارگزاران اقتصادی» و «دولت مالکانه» مرحله‌ای ساخته است که در آن فرض می‌شود بخشی از تولید از کارآفرینان سلب مالکیت شود.

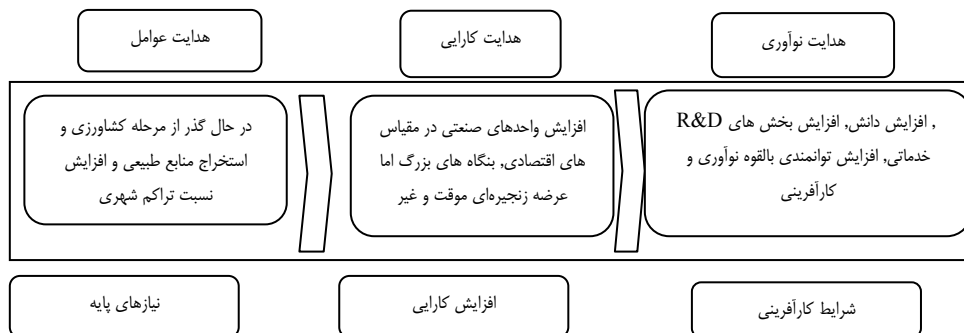
تیمونز (۲۰۰۵) فرایند کارآفرینانه را شامل سه مؤلفه اصلی یعنی تیم فرد کارآفرین، فرصت و تأمین منابع برای بهره برداری از فرصت است.

در مدل دیده بان کارآفرینی، شاخص های شرایط/ چارچوب ملی و ویژه کارآفرینانه، بر حسب نظریه مایکل پورتر، به سه دسته "الزامات اساسی"، "عوامل مؤثر بر ارتقای کارایی" و "کارآفرینی و نوآوری" تقسیم می شود (باسمات و همکاران، ۲۰۰۸).

۳- تقسیم بندی کشورها

بر اساس نوع اقتصاد کشورها، می توان آنها را به سه مرحله تقسیم کرد:

شکل (۲) - مسیر کارآفرینی



منبع: گزارش جهانی کارآفرینی (۲۰۱۰)

در مرحله اول که حرکت علم اقتصاد را با هدایت و تأثیر عوامل تولید سنتی چون نیروی کار فیزیکی، زمین، منابع طبیعی و نیروی کار ساده نشان می دهد و در حقیقت بیانگر اقتصاد کشاورزی است؛ در مرحله دوم فرآیند صنعتی شکل می گیرد، کارخانه ها و تولیدات صنعتی با لزوم کارایی هدایت شده که تأثیر کم رنگ کارآفرینی و نوآوری مشاهده می گردد؛ و در مرحله سوم که حرکت به سوی اقتصادی جدید با الزاماتی چون گروه های پیشرفته تحقیق و توسعه، اثر سرریز دانش، هم افزایی و نقش پر رنگ نوآوری و کارآفرینی است.

شاخص های حقوق مالکیت در ایران و جهان: برای درک بهتر تفاوت هزینه های محیط سیاسی و قانونی، حقوق مالکیت فیزیکی، حقوق مالکیت فکری و در نهایت میزان حقوق مالکیت بین المللی در

هر سه دسته از کشورهای مبتنی بر هدایت عوامل، کارایی محور و نوآوری محور سعی شد این شاخص‌ها در جدول مختلف آورده شود.

جدول (۱) - شاخصهای حقوق مالکیت در کشورهای هدایت محور

محیط سیاسی و قانونی	حقوق مالکیت فیزیکی	حقوق مالکیت فکری	حقوق مالکیت بین‌المللی	هدایت عوامل
۳/۱	۴/۵	۳/۱	۳/۶	آنگولا
۳/۲	۴/۵	۴	۳/۹	بولیوی
۴/۶	۶/۲	۴/۹	۵/۲	مصر
۵/۲	۶	۵/۷	۵/۶	غنا
۳/۵	۶/۱	۴	۴/۵	گاتمالی
۳/۵	۵/۴	۳/۸	۴/۲	ایران
۴/۷	۵/۷	۵/۷	۵/۴	جامائیکا
۲/۸	۶	۳/۶	۴/۱	پاکستان
۵/۶	۷/۹	۵/۹	۶/۵	عربستان
۳/۸	۵	۵	۴/۶	اوگاندا
۴/۹	۵/۸	۳/۶	۴/۸	زامبیا
۴/۰۸	۵/۷۳	۴/۴۸	۴/۷۶۳	میانگین

منبع: یافته‌های پژوهش (۲۰۱۰)

جدول (۲) - شاخص‌های حقوق مالکیت در کشورهای کارایی محور

کارایی محور	حقوق مالکیت بین المللی	حقوق مالکیت فکری	حقوق مالکیت فیزیکی	محیط سیاسی و قانونی
آرژانتین	۴/۷	۵	۵/۱	۴/۱
بوسنی هرزگووین	۴/۱	۳/۳	۴/۹	۴/۱
برزیل	۵/۳	۵/۵	۵/۵	۵
شیلی	۶/۷	۵/۸	۷	۷/۳
چین	۵/۵	۵/۲	۶/۸	۴/۵
کلمبیا	۵/۱	۵/۴	۶	۳/۸
کاستاریکا	۵/۹	۵	۶/۱	۶/۶
کرواسی	۵/۳	۴/۸	۵/۷	۵/۳
اکوادور	۴/۴	۴/۸	۵/۳	۳
مجارستان	۶/۴	۶/۹	۶/۳	۶/۱
لیتوانی	۵/۵	۴/۸	۵/۸	۵/۹
مقدونیه	۴/۷	۳/۹	۵/۵	۴/۶
مالزی	۶/۱	۵/۹	۶/۸	۵/۶
مکزیک	۵	۵	۵/۷	۴/۲
مونته نیگرو	۵/۲	۳/۶	۶/۶	۵/۴
پرو	۴/۹	۴/۴	۶/۵	۳/۷
رومانی	۵/۵	۵/۴	۵/۸	۵/۲
روسیه	۴/۶	۵	۵/۲	۳/۵
آفریقای جنوبی	۶/۶	۵	۶/۹	۵/۵
تایوان	۷/۱	۷/۳	۷/۶	۶/۴
ترینیداد و توباگو	۵/۶	۷/۲	۵/۳	۵/۳
تونس	۶	۶/۲	۷/۲	۵/۷
ترکیه	۵/۳	۵/۲	۶/۱	۴/۶
اروگوئه	۶/۱	۵/۱	۶	۷
متوسط کل	۵/۷	۵/۵	۶/۳	۵/۳

منبع: یافته‌های پژوهش (۲۰۱۰)

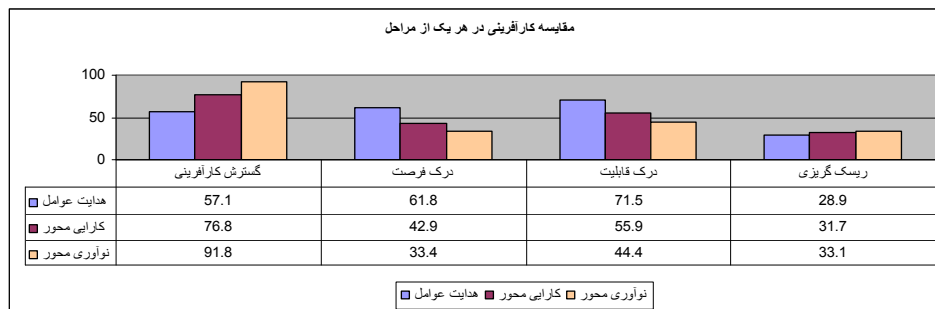
جدول (۳) - شاخصهای حقوق مالکیت در کشورهای نوآور محور

نواوری محور	حقوق مالکیت - بین المللی	حقوق مالکیت - فکری	حقوق مالکیت فیزیکی	محیط سیاسی و قانونی
استرالیا	۸	۷/۹	۷/۷	۸/۳
بلژیک	۷/۵	۸	۷	۷.۴
دانمارک	۸/۱	۸/۳	۷/۳	۸/۷
فنلاند	۸/۵	۸/۵	۸/۳	۸/۸
فرانسه	۷/۳	۷/۹	۶/۷	۷/۲
آلمان	۷/۸	۸/۱	۷/۱	۸/۱
یونان	۵/۸	۶/۱	۶	۵.۴
ایسلند	۷/۲	۶/۹	۶/۸	۸/۳
ایرلند	۷/۶	۷/۹	۶/۷	۸/۲
فلسطین اشغالی	۶/۳	۷	۵/۹	۶/۱
ایتالیا	۶	۶/۹	۵/۷	۵/۵
ژاپن	۷/۶	۸/۲	۷	۷/۶
جمهوری کره	۶/۳	۶.۸	۶/۱	۶
هلند	۸	۸.۲	۷/۵	۸/۴
نروژ	۸/۲	۷.۸	۸/۳	۸/۵
پرتغال	۶/۹	۷	۶/۸	۶/۸
اسلوانی	۵/	۵/۹	۴/۷	۶/۸
اسپانیا	۶/۵	۶/۹	۶/۶	۶/۱
سوئد	۸/۵	۸/۵	۸/۲	۸/۸
سوئیس	۸/۲	۸/۳	۷/۸	۸/۵
بریتانیا	۷/۷	۸/۱	۷/۲	۷/۸
ایالات متحده	۷/۵	۸/۴	۷/۱	۷/۱
میانگین	۷/۶۸	۷/۹۸	۷/۲۶	۷/۸

منبع: یافته‌های پژوهش (۲۰۱۰)

با نگاه کلی به جداول شماره های (۱)، (۲) و (۳)، می‌توان دید کشورهای که از میزان "محیط سیاسی و قانونی"، "حقوق مالکیت فیزیکی" و "حقوق مالکیت فکری" بالاتری برخوردار هستند، از لحاظ "حقوق مالکیت بین‌المللی" که نشان دهنده کارایی حقوق مالکیت می‌باشد نیز در موقعیت بالاتری قرار گرفته‌اند. همچنین مشاهده می‌شود کشورهایی که از کمترین میزان شاخص‌های حقوق مالکیت برخوردار هستند، در مسیر کارآفرینی جزء کشورهای مبتنی بر هدایت عوامل قرار گرفته‌اند و از نظر اقتصادی جزء کشورهایی می‌باشند که دارای نیازهای پایه‌ای‌اند. به عبارتی دیگر می‌توان فهمید کشورهایی که در مرحله هدایت عوامل قرار گرفته‌اند کشورهایی هستند که از لحاظ میزان هزینه‌های مبادله، هزینه‌های نظارت بر اجرا و قراردادهای حفظ قدرت انحصاری با بیشترین هزینه روبرو می‌باشند. در حالی که کشورهای نوآوری محور با میزان هزینه‌های کمتری مواجه هستند. ایران در این تقسیم‌بندی با کمترین مقادیر ممکن، جزء کشورهای مبتنی بر هدایت عوامل قرار گرفته است. در میان ۱۲۹ کشور عضو، ایران با میزان ۴/۲ در شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی در رتبه ۱۰۹ جهان قرار گرفته است، در حالی که فنلاند با میزان ۸/۵ در شاخص حقوق مالکیت دارای بالاترین میزان و جزء کشورهایی است که مبتنی بر نوآوری می‌باشند.

نمودار (۲) - مقایسه میزان کارآفرینی در هر یک از مراحل



منبع: یافته‌های پژوهش

با نگاه به نمودار شماره (۲) به وضوح می‌توان دید کشورهایی که در مرحله نوآوری محور قرار دارند از گسترش کارآفرینی بالایی برخوردار هستند. با توجه به گسترش کارآفرینی می‌توان به وجود ظرفیت‌های خالی و فرصت‌های کارآفرینانه و همچنین به میزان قابلیت‌های لازم برای کارآفرینی پی‌برد. بدین صورت که هرچه در کشوری میزان گسترش کارآفرینی بالاتر باشد ظرفیت‌های خالی و فرصت‌های کارآفرینانه در آن کمتر است و این کشور به کارآفرینی پیشرفته‌تری نیاز دارد. مسلم است که هرچه در کشوری کارآفرینی از درجه بالاتری برخوردار باشد آن کشور برای کارآفرینی به نیروی متخصص‌تری نسبت به سطح موجود نیاز دارد. به عبارتی دیگر به قابلیت‌های کارآفرینانه (مهارت، دانش، تجربه) پیشرفته‌تری برای ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه نیاز دارد. از طرفی دیگر هرچه میزان فعالیت کارآفرینان تخصصی‌تر باشد احتمال اینکه با شکست مواجه شوند یا توسط رقبا تحدید شوند بیشتر و بیشتر می‌شود بنابراین میزان ریسک‌گریزی کارآفرینان در این کشورها بیشتر می‌شود. همچنین مشاهده می‌شود کشورهایی که از کمترین میزان شاخص‌های حقوق مالکیت برخوردار هستند در مسیر کارآفرینی جزء کشورهای مبتنی بر هدایت عوامل قرار گرفته‌اند و از نظر اقتصادی جزء کشورهایی می‌باشند که دارای نیازهای پایه‌ای‌اند و کارآفرینی در آن‌ها به صورت کم می‌باشد.

۴- برآورد الگو و نتایج تحقیق

تمامی الگوهای برآوردی در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۸ و با استفاده از مدل پانل دیتا در کشورهای کارایی محور و نوآوری محور شامل آژانتین، برزیل، شیلی، کرواسی، مجارستان، لیتوانی، رومانی، اروگوئه، آفریقا، پرو، روسیه، اسلونی، ایسلند، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، ژاپن، کره، هلند، نروژ، اسپانیا، بریتانیا، آمریکا، فلسطین اشغالی برآورد شده است. برای برآورد مدل‌ها ابتدا آزمون برابری عرض از مبدا:

$$H_0 : \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_N$$

$$H_1 : \alpha_i \neq \alpha_j$$

اکنون در این تحقیق لازم است مشخص شود که مدل باید به روش داده‌های تابلویی یا داده‌های ترکیبی پردازش شود که به این منظور از آزمون F استفاده می‌شود. فرضیه صفر آزمون بیان می‌کند که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضریب برآورده شده جمعی وجود ندارد بدین معنی که لزومی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی نیست به عبارت دیگر مدل Pool

به مدل اثرات ثابت ارجح است. در صورتی که آماره F محاسبه شده بیشتر از مقدار بحرانی باشد فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های تابلویی برآورد شود پس مدل اثرات ثابت بر مدل Pool ارجح است.

جدول (۴) - نتیجه آزمون F برای تعیین روش داده‌های تابلویی یا ترکیبی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	درجه آزادی صورت	درجه آزادی منخرج	مقدار آماره F	Prob	مقدار بحرانی f در سطح ۹۵٪
درک قابلیت‌های کارآفرینانه	حقوق مالکیت بین-المللی / سرمایه دانش	۲۷	۵۴	۳۵/۳۷	۰/۰۰۰	۲/۲۹
ریسک‌گریزی کارآفرینان	حقوق مالکیت بین-المللی / سرمایه دانش	۲۷	۵۴	۱۱/۷۹۰۹	۰/۰۰۰	۲/۲۹
درک قابلیت‌های کارآفرینانه	محیط سیاسی و قانونی / سرمایه دانش	۲۷	۵۴	۳۷/۱۸	۰/۰۰۰	۲/۲۹
ریسک‌گریزی کارآفرینان	محیط سیاسی و قانونی / سرمایه دانش	۲۷	۵۴	۱۳/۹۲	۰/۰۰۰	۲/۲۹
درک قابلیت‌های کارآفرینانه	حقوق مالکیت فیزیکی / سرمایه دانش	۲۷	۵۴	۵۹/۳۴	۰/۰۰۰	۲/۲۹
ریسک‌گریزی کارآفرینان	حقوق مالکیت فیزیکی / سرمایه دانش	۲۷	۵۴	۰	۰/۰۰۰	۲/۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار بحرانی آماره F در سطح ۹۵٪ برابر با ۲/۲۹ می‌باشد. ملاحظه می‌شود آماره F محاسبه شده بیشتر از مقدار بحرانی است لذا فرضیه صفر مبنی بر برابر بودن تمامی عرض از مبدأها پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل‌ها به روش داده‌های تابلویی برآورد شوند. آزمون هاسمن: فرضیه صفر بودن آزمون هاسمن، برابری ضرایب متغیرهای توصیفی در دو حالت توصیفی در دو حالت ثابت و تصادفی است یعنی داریم:

$$H_0: \hat{\beta} = b$$

$$H_1: \hat{\beta} \neq b$$

فرضیه صفر آزمون هاسمن بیان می‌کند که مدل دارای اثرات تصادفی است. آماره این آزمون، آماره یا کای دو می‌باشد اگر مقدار آماره محاسبه شده بیشتر از مقادیر بحرانی آن باشد، فرضیه صفر مبتنی بر لزوم برآورد مدل به صورت اثرات تصادفی پذیرفته نخواهد شد. با توجه به جدول شماره (۵) و با توجه به اینکه مقدار بحرانی آماره در سطح ۰.۰۵، ۵/۹۹۱ می‌باشد، می‌توان گفت تمام مقادیر برآوردی کمتر از آماره برآورده شده است. پس فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی برای تمام مدل‌های موجود رد می‌شود و لازم است که مدل‌ها به صورت اثرات ثابت برآورد شوند.

جدول (۵) - نتیجه آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی

سطح اطمینان	Prob.	Chi-Sq. d.f.	Chi-Sq. Statistic	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته
۹۵٪	۰/۰۰۱	۲	۱۳/۱۴۴۲	حقوق مالکیت بین - المللی/سرمایه دانش	درک قابلیت‌های کارآفرینانه
۹۵٪	۰/۰۳۴۷	۲	۶/۷۲	حقوق مالکیت بین - المللی/سرمایه دانش	ریسک‌گریزی کارآفرینان
۹۵٪	۰/۰۰۱	۲	۱۹/۶	محیط سیاسی وقانونی / سرمایه دانش	درک قابلیت‌های کارآفرینانه
۹۵٪	۰/۰۰۰۶	۲	۱۴/۱۵۹۱	محیط سیاسی وقانونی / سرمایه دانش	ریسک‌گریزی کارآفرینان
۹۵٪	۰/۰۰۰۳	۲	۱۶/۰۹۱	حقوق مالکیت فیزیکی / سرمایه دانش	درک قابلیت‌های کارآفرینانه
۹۵٪	۰/۰۲۲۳	۲	۷/۶۰۴۹	حقوق مالکیت فیزیکی / سرمایه دانش	ریسک‌گریزی کارآفرینان

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۱- تابع درک قابلیت کارآفرینی با حقوق مالکیت بین المللی

$$\text{LOGY}_{it} = \alpha_i + \alpha_1 \text{LOG}k_{it} + \alpha_2 \text{LOGIPRI}_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$i = 1, 2, 3, \dots, 28$$

Y_{it} = درک قابلیت کارآفرینی، K_{it} = سرمایه دانش، $IPRI_{it}$ = حقوق مالکیت بین المللی، ε_{it} = جزء

اخلال

$$LY7 = 1/293827 + 0/667537LK_{it} + 0/642917LIPRI_{it}$$

$$(۹/۲۳)$$

$$(۱۴/۷۲)$$

$$(۳/۷۵)$$

$$\bar{R}^2 = 0/94$$

$$F = ۴۹/۶$$

ضریب تعیین تعدیل شده \bar{R}^2 مدل ۰/۹۴ به دست آمده است که نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی بسیار بالای مدل است. با توجه به این که تابع ما در این تحقیق log می‌باشد بنابراین ضرایب ما میزان حساسیت (کشش) را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر اگر میزان سرمایه دانش یک درصد افزایش یابد میزان درک قابلیت کارآفرینی ۰/۶۶۷۵ افزایش می‌یابد و اگر میزان حقوق مالکیت بین‌المللی یک درصد افزایش یابد میزان درک قابلیت کارآفرینی به میزان ۰/۶۴۲۹ افزایش می‌یابد. در

مقایسه اثر هر دو ضریب یعنی دانش و حقوق مالکیت بین المللی بر میزان درک قابلیت‌های کارآفرینی ضمن اینکه می‌بینیم هر دو، اثری مثبت و معنی‌دار دارند، برای درک قابلیت‌های کارآفرینی که به مهارت و دانش وابسته است باید بیشتر به میزان آموزش افراد اهمیت داد. همچنین کارایی حقوق مالکیت از طریق کاهش هزینه‌ها باعث افزایش نرخ بازدهی خصوصی می‌شود و اثر بسیار بالایی بر درک قابلیت‌های کارآفرینی دارد و این نشان دهنده اهمیت هر دو متغیر در کارآفرینی کشورهای مذکور می‌باشد.

۴-۲- تابع برآورد الگو برای ریسک‌گریزی کارآفرینی با حقوق مالکیت بین المللی

$$\text{LOGY}_{it} = \alpha_i + \alpha_1 \text{LOG}k_{it} + \alpha_2 \text{LOGIPRI}_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\alpha_i = 1, 2, 3, \dots, 28$$

$$Y_{it} = \text{ریسک‌گریزی کارآفرینی}, K_{it} = \text{سرمایه دانش}, IPRI_{it} = \text{حقوق مالکیت بین المللی}, \varepsilon_{it} =$$

جزء اخلاص

$$LY8 = 2/284471 - 0/2935LK_{it} - 1/01958LIPRI_{it}$$

$$(15/34) \quad (-5/23) \quad (-5/93)$$

$$\bar{R}^2 = 0/81 \quad F = 14/00$$

ضریب تعیین تعدیل شده \bar{R}^2 مدل ۰/۸۱ به دست آمده است که نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی بسیار بالای مدل است. با توجه به این که تابع ما در این تحقیق log می‌باشد بنابراین ضرایب ما میزان حساسیت (کشش) را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر اگر میزان سرمایه دانش یک درصد افزایش پیدا کند میزان ریسک‌پذیری کارآفرینی ۰/۲۹۳۵ افزایش پیدا می‌کند و اگر میزان حقوق مالکیت بین المللی یک درصد افزایش یابد میزان ریسک‌پذیری کارآفرینی به میزان ۱/۰۱۹ افزایش می‌یابد. در مقایسه اثر هر دو ضریب یعنی سرمایه دانش و حقوق مالکیت بین المللی بر میزان ریسک‌پذیری کارآفرینان ضمن اینکه می‌بینیم هر دو، اثری معکوس و معنی‌دار دارند، اثر کارایی حقوق مالکیت بسیار بالاتر از اثر مخارج دولت‌ها برای آموزش افراد می‌باشد. به عبارت دیگر برای کاهش میزان ترس از شکست یا از بین بردن عدم اطمینان در کارآفرینان علاوه بر دانش و مهارت، نیاز است که نهادهای لازم به صورت کارا باشند تا هزینه‌های موجود کاهش یابد.

۴-۳- تابع درک قابلیت کارآفرینی با محیط سیاسی و قانونی

$$LOGY_{it} = \alpha_i + \alpha_1 LOGk_{it} + \alpha_2 LOGLP_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\alpha_i = 1, 2, 3, \dots, 28$$

Y_{it} = درک قابلیت کارآفرینی، K_{it} = سرمایه دانش، LP_{it} = محیط سیاسی و قانونی، ε_{it} = جزء

اخلال

$$LY7 = 1/12305 + 0/5631LK_{it} + 0/82662LLP_{it}$$

$$(۸/۲۰) \quad (۸/۰۸) \quad (۵/۲۴)$$

$$\bar{R}^2 = 0/94 \quad F = ۵۰/۰۳$$

ضریب تعیین تعدیل شده \bar{R}^2 مدل ۰/۹۴ به دست آمده است که نشان می‌دهد قدرت توضیح دهنده‌گی بسیار بالای مدل است. با توجه به این که تابع ما در این تحقیق log می‌باشد بنابراین ضرایب ما میزان حساسیت (کشش) را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر اگر یک درصد میزان سرمایه دانش افزایش پیدا کند میزان درک قابلیت کارآفرینی ۰/۵۶۳۱ افزایش پیدا می‌کند و اگر محیط سیاسی و قانونی یک درصد بهتر شود میزان درک قابلیت کارآفرینی به میزان ۰/۸۲۶۶ افزایش پیدا می‌یابد. در مقایسه اثر هر دو ضریب یعنی سرمایه دانش و محیط سیاسی و قانونی بر میزان درک قابلیت های کارآفرینی ضمن اینکه می‌بینیم هر دو اثری معکوس و معنی داری دارند، حفاظت از محیط سیاسی و قانونی اثر بالایی بر درک قابلیت های کارآفرینی دارد. به عبارتی دیگر این موضوع ضمن اینکه نشان دهنده اهمیت فوق العاده هر دو متغیر در کشورهای مذکور می‌باشد نشان دهنده این نیز می‌باشد که برای داشتن قابلیت‌های کارآفرینی بالا تنها دانش و مهارت که از طریق آموزش افراد بدست می‌آید کافی نمی‌باشد بلکه برای سرمایه‌گذاری بر دانش محیط سیاسی و قانونی از طریق هزینه‌ها و نرخ بازدهی تأثیر گذار می‌باشد.

۴-۴- تابع ریسک‌گریزی کارآفرینی با محیط سیاسی و قانونی

$$LOGY_{it} = \alpha_i + \alpha_1 LOGk_{it} + \alpha_2 LOGLP_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\alpha_i = 1, 2, 3, \dots, 28$$

Y_{it} = ریسک‌گریزی کارآفرینی، K_{it} = سرمایه دانش، LP_{it} = محیط سیاسی و قانونی، ε_{it} = جزء

اخلال

$$LY8 = 2/86 - 0/217795LK_{it} - 1/7384LLP_{it}$$

$$(15/34) \quad (-6/83) \quad (-7/41)$$

$$\bar{R}^2 = 0/86$$

$$F = 19/74$$

ضریب تعیین تعدیل شده R^2 مدل ۰/۸۶ به دست آمده است که نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی بسیار بالای مدل است. با توجه به این که تابع ما در این تحقیق \log می‌باشد بنابراین ضرایب ما میزان حساسیت (کشش) را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر اگر میزان سرمایه دانش یک درصد افزایش پیدا کند میزان ریسک‌پذیری کارآفرینی ۰/۲۱۷۷٪ افزایش پیدا می‌کند و اگر میزان محیط سیاسی و قانونی یک درصد بهتر شود میزان ریسک‌پذیری کارآفرینی به میزان ۱/۷۳۸۴٪ افزایش می‌یابد. در مقایسه اثر هر دو ضریب یعنی سرمایه دانش و محیط سیاسی و قانونی بر میزان ریسک‌پذیری کارآفرینان ضمن اینکه می‌بینیم هر دو اثری معکوس و معنی‌دار دارند، اثر محیط سیاسی و قانونی بسیار بالاتر از اثر مخارج دولت‌ها برای آموزش افراد می‌باشد زیرا داشتن محیطی که در آن ثبات سیاسی وجود دارد و فسادهای مالی و اقتصادی در آن کم می‌باشد بسیار تأثیرگذار است و باعث کاهش هزینه‌های سواری مجانی و همچنین هزینه‌های نظارت و اجرای قرار دادهای می‌شود. بنابراین فعالیت‌هایی که میزان سرمایه در آن‌ها بالا و نیازمند پرداخت‌های بلند مدت می‌باشد بهتر انجام می‌گیرد.

۴-۵- درک قابلیت کارآفرینی با حقوق مالکیت فیزیکی

$$\text{LOGY}_{it} = \alpha_i + \alpha_1 \text{LOG}k_{it} + \alpha_2 \text{LOG}LPPR_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$i = 1, 2, 3, \dots, 28$$

Y_{it} = درک قابلیت کارآفرینی، K_{it} = سرمایه دانش، $LPPR_{it}$ = حقوق مالکیت فیزیکی، ε_{it} = جزء

اخلال

$$LY7 = 1/4836 + 0/6333LK_{it} + 0/3935LPPR_{it}$$

$$(11/83) \quad (12/063) \quad (2/66)$$

$$\bar{R}^2 = 0/95 \quad F = 68$$

ضریب تعیین تعدیل شده R^2 مدل $0/95$ به دست آمده است که نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی بسیار بالایی مدل است. در مقایسه اثر هر دو ضریب یعنی سرمایه دانش و حقوق مالکیت فیزیکی بر میزان درک قابلیت های کارآفرینی ضمن اینکه می بینیم هر دو اثری مثبت و معنی دار دارند، دسترسی به وام و حفاظت از حقوق مالکیت فیزیکی باعث می شود کارآفرینی به میزان $0/39$ درصد افزایش یابد در حالی که اگر سرمایه دانش افزایش یابد میزان کارآفرینی به میزان $0/63$ درصد افزایش می یابد.

۴-۶- نتیجه برای ریسک گریزی کارآفرینی با حقوق مالکیت فیزیکی

$$\text{LOGY}_{it} = \alpha_i + \alpha_1 \text{LOG}k_{it} + \alpha_2 \text{LOG}LPPR_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$i = 1, 2, 3, \dots, 28$$

Y_{it} = ریسک گریزی کارآفرینی، K_{it} = سرمایه دانش، $LPPR_{it}$ = حقوق مالکیت فیزیکی، ε_{it} = جزء

اخلال

$$LY8 = 1/85 - 0/28LK_{it} - 0/48LPPR_{it}$$

$$(20/88) \quad (-9/57) \quad (-4/85)$$

$$\bar{R}^2 = 0/87 \quad F = 21/06$$

ضریب تعیین تعدیل شده R^2 مدل $0/87$ به دست آمده است که نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی بسیار بالایی مدل است. با توجه به این که تابع ما در این تحقیق \log می باشد بنابراین ضرایب ما میزان حساسیت (کشش) را نشان می دهد. به عبارت دیگر اگر میزان سرمایه دانش یک

درصد افزایش پیدا کند میزان ریسک پذیری کارآفرینی ۰/۲۸ افزایش پیدا می‌کند و اگر میزان حقوق مالکیت فیزیکی یک درصد افزایش یابد میزان ریسک پذیری کارآفرینی به میزان ۰/۴۸ افزایش می‌یابد. در مقایسه اثر هر دو ضریب یعنی سرمایه دانش و حقوق مالکیت فیزیکی بر میزان درک قابلیت های کارآفرینی ضمن اینکه می‌بینیم هر دو اثر معکوس و معنی داری دارند، متوجه می‌شویم که حفاظت از حقوق مالکیت فیزیکی باعث می‌شود که میزان تأمین مالی برای کارآفرینان آسان‌تر صورت گیرد که این امر باعث می‌شود میزان ریسک‌گریزی کارآفرینان کاهش یابد.

۴- نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد کارآفرینی نیازمند وجود انگیزه است که این انگیزه ایجاد نمی‌شود مگر اینکه چارچوب نهادی حاکم درست عمل کند (کارآمد باشد)، زیرا در چارچوب نهادی ناکارآمد نیز سازمان‌ها از حیث غیر مولد کردن جامعه و کاهش توان ساختارهای مناسب برای فعالیتهای تولیدی، کارا تر می‌شوند. برای اثبات ادعای خود در این تحقیق ابتدا ساختار نهادی برای کشورهای موفق و غیر موفق و میزان اثر کارایی حقوق مالکیت به ازاء یک درصد افزایش در کارایی حقوق مالکیت به صورت کلی و تک تک در شاخص‌های کارآفرینی بررسی شد. در اینجا می‌توان به این سؤال بسیار مهم پاسخ داد که چرا کارآفرینی در ایران بسیار کم است. طبق بررسی‌های صورت گرفته در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت سازمان‌ها و کارآفرینان در ایران در یک چارچوب نهادی غیر کارآمد قرار گرفته‌اند و با توجه به موارد زیر کارآفرینی از توفیق چندانی برخوردار نیست:

۱- محیط سیاسی و قانونی: اهمیت محیط سیاسی و قانونی در درک قابلیت‌های کارآفرینی به میزان ۰/۵۶ و در ریسک‌گریزی ۱/۷۳- می‌باشد. با توجه به این که بیشترین تأثیرگذاری محیط سیاسی و قانونی در ریسک‌گریزی کارآفرینان است، ایران در این شاخص با میزان ۳/۵ درصد در جایگاه ۱۰۵ جهان قرار دارد. به عبارتی می‌توان گفت در ایران میزان فساد مالی و اقتصادی و همچنین میزان بی‌ثباتی سیاسی بسیار بالاست بنابراین هزینه‌های اجرا و نظارت بر قراردادهای رو به فزونی است و هزینه‌های مبادلاتی برای سازمان‌ها و کارآفرینان‌شان بالا می‌باشد.

۲- حقوق مالکیت فیزیکی: اهمیت حقوق مالکیت فیزیکی در گسترش کارآفرینی به این صورت می‌باشد که به ازای هر یک درصد افزایش در حقوق مالکیت فیزیکی، میزان ریسک‌گریزی کارآفرینان ۰/۴۸- درصد کاهش می‌یابد. در واقع هنگامی که محیط جامعه به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران احساس کنند از سرمایه‌گذاری که انجام می‌دهند حفاظت می‌شود، راحت‌تر سرمایه‌گذاری می‌کنند و به این ترتیب گردش سرمایه بسیار بالا می‌رود و سازمان‌ها و کارآفرینان‌شان از دسترسی بهتری به تأمین مالی برخوردار می‌شوند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ایران از لحاظ حقوق مالکیت فیزیکی با میزان ۵/۴ درصد در رتبه ۱۰۳ جهان قرار دارد؛ به عبارتی سازمان‌ها و کارآفرینان در ایران با مشکل دسترسی به سرمایه مواجه هستند که این از کمبود سرمایه‌نشأت نگرفته بلکه از کمبود حقوق مالکیت فیزیکی نشأت می‌گیرد.

۳- حقوق مالکیت فکری: یکی از مهمترین عوامل ضد انگیزشی گسترش کارآفرینی عدم حفاظت از حقوق مالکیت فکری می‌باشد به طوری که برطبق آمار بیان شده کشوری که دارای بالاترین میزان حفاظت از این حقوق است دارای بالاترین میزان گسترش کارآفرینی نیز می‌باشد. در مورد ایران می‌توان گفت یکی از ضد انگیزش‌ترین عوامل کارآفرینی در ایران نداشتن حفاظت از حقوق مالکیت فکری می‌باشد. به طوری که ایران با میزان ۳/۸ درصد در رتبه ۱۰۸ جهان قرار دارد در واقع هزینه حفظ قدرت انحصاری قبل مبادله در ایران بسیار بالا می‌باشد.

۴- حقوق مالکیت بین‌المللی: به ازای هر یک درصد کارآفرین شدن حقوق مالکیت، درک قابلیت‌های کارآفرینی به میزان ۰/۶۴ درصد و ریسک‌گریزی ۱/۰۱- درصد افزایش خواهد یافت. ایران با میزان ۲/۴ درصد در جایگاه ۱۰۹ جهان قرار دارد پس می‌توان گفت حقوق مالکیت در ایران به دلیل بالا بودن هزینه‌ها، ناکارآمد می‌باشد. به عبارت کلی‌تر می‌توان گفت: هزینه‌های اندازه‌گیری، حفظ انحصار قبل از مبادله و هزینه‌های مبادلاتی در ایران بسیار بالا است. ناکارآمدی حقوق مالکیت در ایران باعث از بین رفتن انگیزه کارآفرینان برای انجام کارآفرینی شده است. همچنین در ایران به علت حقوق مالکیت ناکارآمد و ریسک بسیار بالا، افراد بیشتر به طرف بنگاه‌های اقتصادی کوچکی متمایلند که در آن‌ها استفاده از دانش فنی و سرمایه ثابت کمتر بوده و مستلزم عقد قراردادهای بلند مدت نیست. بنابراین می‌توان گفت در ایران بنگاه‌ها نوعاً کوچک‌اند، بجز بنگاه‌هایی که زیر حمایت یا مدیریت دولت عمل می‌کنند. به عبارت بهتر چارچوب نهادی حاکم بر ایران به گونه‌ای است که در آن فرصتهایی که در

اختیار کارآفرینان قرار می‌گیرد آمیخته‌ای از عوامل افزایش دهنده و عوامل کاهش دهنده است. اما این فرصتها همواره فعالیت‌هایی را بیشتر تسهیل می‌کنند که مشوق توزیع مجددند تا فعالیت‌های تولیدی؛ بیشتر انحصار را به وجود می‌آورند تا شرایط رقابتی را و بیشتر محدود کننده دیگر فرصتها هستند تا خالق آنها. بنابراین سازمان‌ها و کارآفرینانی که در ایران بوجود می‌آیند از حیث غیرمولد کردن جامعه و کاهش توان ساختاری مناسب برای فعالیت‌های تولیدی مناسب از جمله کارآفرینی و تأثیر سرمایه دانش بر کارآفرینی عمل می‌کنند. همچنین با نگاه به جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود که میزان سرمایه دانش و به عبارت دیگر نقش هزینه‌هایی که دولت‌ها برای آموزش صرف می‌کنند بر درک قابلیت‌های کارآفرینانه هنگامی که حقوق مالکیت بین‌المللی متغیر وابسته باشد به ازای هر یک درصد افزایش در سرمایه دانش در کارآفرینانه، $0/67$ درصد افزایش پیدا می‌کند. همچنین نقش هزینه‌هایی که دولت‌ها برای آموزش صرف می‌کنند بر درک قابلیت‌های کارآفرینانه هنگامی که محیط سیاسی و قانونی، متغیر وابسته باشد به ازای هر یک درصد افزایش در سرمایه دانش میزان درک قابلیت‌های کارآفرینانه، $0/56$ درصد افزایش می‌یابد. نقش هزینه‌هایی که دولت‌ها برای آموزش صرف می‌کنند بر درک قابلیت‌های کارآفرینانه هنگامی که حقوق مالکیت فیزیکی، متغیر وابسته باشد به ازای هر یک درصد افزایش در سرمایه دانش، میزان درک قابلیت‌های کارآفرینانه، $0/63$ درصد افزایش می‌یابد. نقش هزینه‌هایی که دولت‌ها برای آموزش صرف می‌کنند بر ریسک-گریزی هنگامی که حقوق مالکیت بین‌المللی متغیر وابسته باشد به ازای هر یک درصد افزایش در سرمایه دانش میزان درک قابلیت‌های کارآفرینانه، $0/29$ درصد افزایش می‌یابد؛ به عبارت بهتر افراد ریسک پذیر می‌شوند. بنابراین می‌توان با نگاه به جدول (۶) به اهمیت فوق‌العاده آموزش در کارآفرینی پی برد و آن را یکی از ارکان مهم گسترش کارآفرینی دانست. به طوری که سرمایه دانش بیشترین تأثیر را بر درک قابلیت‌های کارآفرینی دارد.

جدول (۶) - تأثیر سرمایه دانش بر کارآفرینی

سرمایه دانش	حقوق مالکیت بین-المللی	محیط سیاسی و قانونی	حقوق مالکیت فیزیکی
درک قابلیت‌های کارآفرینی	۰.۶۷	۰.۵۶	۰.۶۳
ریسک‌گریزی	-۰.۲۹	۰.۲۱	-۰.۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

فهرست منابع

۱. اشرف‌زاده، سید حمیدرضا (۱۳۸۷)، اقتصاد سنجی: پانل دیتا، مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲. دادگر، یداله (۱۳۸۹)، تحلیلی بر کارآفرینی در ۷۰ سال اخیر ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره دوم.
۳. رنای، محسن (۱۳۸۶)، مفهوم آثار حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی جدید، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۰۱.
۴. فیض بخش، سید علی رضا (۱۳۸۷)، تعیین عوامل مؤثر در ایجاد سازمان های کارآفرین در ایران، مجله علمی پژوهشی شریف شماره ۴۳، ص ۱۲۴-۱۱۹.
۵. مجتبی، ناهید (۱۳۸۸)، چیستی و چرایی کارآفرینی و کارآفرینی سازمانی در یک نگاه، بررسی های بازرگانی، شماره ۳۴.
۶. نایب، سعید، (۱۳۸۶)، یک ارزیابی تاریخی از وضعیت حقوق مالکیت در ایران با رویکرد نهادگرایی جدید، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد، نشر اقتصاد و جامعه.
۷. نورث، داگلاس (۱۳۷۷)، «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی»، ترجمه محمد رضا معینی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
۸. نورث، داگلاس و دیگران (۱۳۸۵)، «در چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری»، اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه، شماره ۳، زمستان.
9. Executive report of Global Entrepreneurship Monitor(2008).
GEM. www.Gemconsortium.org.
10. Executive report of Global Entrepreneurship Monitor(2009).
GEM. www.Gemconsortium.org.
11. Executive report of Global Entrepreneurship Monitor(2010).
GEM. www.Gemconsortium.org.
12. Executive report of Global property Rights Monitor(2008).
www.Internationalpropertyrightsindex.org.
13. Executive report of Global property Rights Monitor(2009).
www.Internationalpropertyrightsindex.org

14. Executive report of Global property Rights Monitor(2010).
www.Internationalpropertyrightsindex.org
15. Data bank IMF(www.IMF.com).
16. Data bank WDI(www.wdi.com).